

مهاجرت‌های روستایی در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (بوشهر) (۱۳۴۰-۱۳۵۵ ش.)

زینب قنبری نژاد^۱، حبیب‌الله سعیدی نیا^۲، حمید اسدپور^۳

۱ دکتری تاریخ ایران اسلامی - دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

۳ استادیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس، بوشهر

چکیده

در آغاز دهه چهل بوشهر، فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس بود که از لحاظ سیاسی تحت تابعیت استان فارس قرار داشت. بنادر و جزایر خلیج فارس و نواحی پس‌کرانه‌ای آن در دوره‌های گذشته به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی و همچنین وضعیت اقلیمی آن همیشه جمعیت محدود و کم‌تراکم داشتند. در گذشته هر زمان اوضاع سیاسی کشور آرام و توجه دولت به بنادر و جزایر بیشتر می‌شد، رونق اقتصادی و تجاری باعث جذب جمعیت و رشد شهرنشینی در این نواحی می‌شد و به محض ناامن شدن اوضاع، جمعیت نیز پراکنده می‌شد. در آغاز دهه چهل شمسی با اجرای اصلاحات ارضی شرایطی فراهم شد که جمعیت روستایی نیز امکان تحرک و مهاجرت بیشتری یافت. در این پژوهش سعی بر آن است تا شرایطی که موجب تسریع روند مهاجرت‌های روستایی در فرمانداری کل در دهه چهل و پنجاه شد، بررسی شود. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی با تکیه بر اسناد و منابع تاریخی است. طبق یافته‌های پژوهش در سال‌های دهه چهل و پنجاه این منطقه با مهاجرت‌های گسترده‌ای روبه‌رو شد. علاوه بر اجرای اصلاحات ارضی که بخش عمده‌ای از نیروی کار در مناطق روستایی را آزاد کرد و این نیروی اضافی برای پیدا کردن کار راهی شهر شدند، شرایط اقلیمی و جوی منطقه و محرومیت بیش از حد مناطق روستایی نیز از دلایل عمده گسترش مهاجرت‌های روستایی در فرمانداری کل بنادر و جزایر بود. این منطقه که در سال‌های قبل از دهه چهل دارای کمترین میزان شهرنشینی در کشور بود، در سال‌های بعد از آن با رشد شهرنشینی بالایی مواجه شد.

کلیدواژه: فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس، مهاجرت‌های روستایی، اصلاحات ارضی، خشک‌سالی، رشد

شهرنشینی

۱- مقدمه

مهاجرت یک فرایند مهم در بسیاری از کشورهاست که عکس العمل مردم نسبت به عواملی نظیر نابرابری- های اقتصادی، سیاسی، ناکامی های اجتماعی و عدم رضایت در بسیاری از جنبه های زندگی را منعکس می کند. در طول تاریخ همواره تغییرات سیاسی و فشارهای ناشی از آن، تغییرات حکومت و روش سیاسی سرمداران با ماهیت سیاسی و اجتماعی، زمینه را برای مهاجرت بیشتر فراهم آورد. در ایران معاصر تحولات شدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از دلایل عمده رشد مهاجرت در کشور شناخته می شود. با آغاز دهه چهل و اجرای برنامه هایی در جهت توسعه جوامع روستایی، تحولات بنیادینی در جامعه روستایی کشور رخ داد که پیامدهای متفاوتی داشت. از جمله طرح های اجتماعی دولت در جهت بهبود وضعیت روستاها اصلاحات ارضی بود که موجب تغییرات جمعیتی در روستاها شد. سؤال پژوهش حاضر این است که مهاجرت های روستایی در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس در دهه چهل و پنجاه تحت چه شرایطی صورت گرفت و این فرمانداری در فاصله زمانی مورد نظر دچار چه تغییرات جمعیتی شد؟ سال های بعد از انقلاب مشروطه رشد صنایع شهری، وجود بازار کار در کشورهای خارجی همسایه و تحدید نسبی حقوق اربابان صاحب زمین از طریق وضع قوانین، موجب آغاز روند مهاجرت از روستا به شهر یا خارج شد. از این دوره به بعد متناسب با درجه رشد سرمایه داری در ایران، نرخ مهاجرت از روستا نیز به طور پیوسته افزایش یافت. اوج این مهاجرت ها در سال های دهه چهل و پنجاه صورت گرفت که به دنبال اجرای اصلاحات ارضی در روستاها بود. از پیامدهای بارز اصلاحات ارضی گسترش نظام سرمایه داری در بازارهای روستایی بود که پیش از آن به صورت محیط های بسته خودکفا، کمتر زیر نفوذ و سلطه بازار قرار داشت. در این شرایط با کمرنگ شدن نقش تولیدات کشاورزی در اقتصاد کشور همچنین اجرای برنامه های عمرانی در جهت توسعه شهری، تفاوت های شهر و روستا روز به روز بیشتر شد، به طوری که این مهاجرت ها از سال های دهه چهل به بعد به سرعت افزایش یافت. روش پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی بامطالعه اسنادی و تحلیل ثانویه داده های سرشماری نفوس و مسکن در فاصله سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ است.

اکثر پژوهشگران در زمینه مطالعات روستایی، مهاجرت های گسترده روستائیان به شهر در دهه چهل و پنجاه را یکی از پیامدهای ملموس اصلاحات ارضی بیان می کنند. از جمله: احمد اشرف و بنوعزیز (۱۳۹۳) در مقاله «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی» معتقد است، در اواخر دهه ۴۰ و با اتمام اصلاحات ارضی، ۷۴ درصد از کسانی که در فقر زندگی می کردند در مناطق روستایی بودند که به دلیل فقر و نداری اقدام به

مهاجرت کردند. اصلاحات ارضی ۱۳۴۰-۱۳۵۰ نوشته محمد سوداگر (۱۳۵۸). نویسنده مهاجرت‌های روستایی را از پدیده‌های مهم و انقلابی دوران حاضر می‌داند و معتقد است که اصلاحات ارضی روند مهاجرت روستا به شهر را بسیار تشدید کرد؛ اما فصل خاصی را به این مسأله اختصاص نمی‌دهد. زمین و انقلاب در ایران ۱۴۴۰-۱۳۶۰ اثر اریک هوگلند (۱۳۸۱). وی در یک فصل مهاجرت‌های بعد از اصلاحات ارضی را در کل کشور به صورت محدود بررسی کرده است. عبدالعلی لهسایی‌زاده (۱۳۶۸) در کتاب تحولات اجتماعی در روستاهای ایران، طبق نتایج آمار و سرشماری در سال‌های قبل از اصلاحات ارضی و بعد از آن با توجه به رشد جمعیت شهرها، نتیجه می‌گیرد که اصلاحات ارضی روند مهاجرت از روستا به شهرها را در ایران تسریع کرد. وی دلایل این مهاجرت‌ها را در یک پاراگراف بیان کرده است؛ ولی آمار و ارقامی ارائه نمی‌دهد. فرخ حسامیان و گیتی اعتماد (۱۳۶۳) در کتاب شهرنشینی در ایران، روند عمده مهاجرت‌های روستایی و رشد شهرنشینی در ایران بعد از اصلاحات ارضی را ناشی از عوامل دگرگون‌کننده ساخت تولید روستایی از یک سو و تشدید شکاف بین دستمزدها و در نتیجه سطح زندگی بین شهر و روستا برمی‌شمارند. در اکثر این منابع به مسأله مهاجرت بعد از اصلاحات ارضی تنها به عنوان یکی از پیامدهای اصلاحات ارضی توجه شده است و به جز اریک هوگلند هیچ‌کدام به طور مستقل به این مسأله نپرداخته‌اند. سازمان برنامه و بودجه در استان بوشهر در مورد مهاجرت در بوشهر دو اثر تحقیقاتی انجام داده است؛ بررسی روند و ویژگی‌های مهاجرت در استان بوشهر اثر حسین آرامی (۱۳۷۳) و دیگری وضعیت مهاجرت در استان بوشهر طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۷۵ اثر مهرناز صفوی (۱۳۷۸). این دو جزوه تحقیقی به بررسی وضعیت مهاجرت در کشور و به خصوص مهاجرت در استان بوشهر و چگونگی مبدأ و مقصد حرکت مهاجران در دهه ۵۰ و ۶۰ پرداخته است. آمارهای ارائه شده در این تحقیقات طبق آمارهای مرکز آمار و سرشماری کشور است که توزیع سنی، جنسی و منطقه‌ای مهاجرین در مبدأ و مقصد بررسی شده است. پژوهش حاضر به بررسی روند مهاجرت‌های روستایی در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (بوشهر) در طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ ش. می‌پردازد که تاکنون پژوهشی در این رابطه صورت نگرفته است.

۲- تقسیمات کشوری و موقعیت فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس (بوشهر)

بوشهر در زمان قاجار جزء ایالت فارس و در زمان پهلوی هم جزء استان هفتم یا همان استان فارس بود. در عهد ناصری و مظفری، بوشهر و هرمزگان با عنوان «بنادر و جزایر» به مرکزیت بوشهر به صورت

مستقل اداره می‌شد و حکمران آن با عنوان «دریابگی» در برخی امور از فرمانفرمای فارس تبعیت می‌کرد (حسینی، بی‌تا: ۱۶۸). به تدریج رخدادهای سیاسی، نظامی و ضرورت‌های اقتصادی و تجاری بر قدرت و قلمرو حکمرانی بنادر افزود و در سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م از طرف وزارت داخله، بنادر محلی دشتی و دشتستان نیز از فارس جدا و به حکومت بنادر ضمیمه شد. در اول همان سال «مظفرنظام» از طرف ایالت فارس به نایب‌الحکومه آنجا مأمور و با فوج مخصوص وارد بوشهر شد (ساکما تهران، ۱۲۷-۶۲۱-۲۴۰). در اولین تقسیمات کشوری در دوره رضاشاه در سال ۱۳۱۶/۱۹۳۷ کشور به ده استان به ترتیب شماره تقسیم‌بندی شد. در این تقسیم‌بندی بوشهر یکی از شهرستان‌های استان هفتم بود و طبق تبصره‌ای جزایر مجاور هر شهرستان هم تابع آن قرار گرفت (امیراحمدیان، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۴؛ محرمی و مهربان، ۱۳۸۵: ۲۷). در زمان محمدرضا شاه در سال ۱۳۲۹/۱۹۵۰ دولت مرکزی خواهان کنترل مستقیم بر مناطق ساحلی خلیج فارس و کاستن از حوزه نفوذ فارس در بوشهر بود؛ بنابراین طبق تصویب‌نامه شماره ۲۳۱۵۱ در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۳۳/۲۰ دسامبر ۱۹۵۴ فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس به مرکزیت بوشهر تشکیل گردید. بر اساس این تصویب‌نامه فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس شامل سه فرمانداری بوشهر (درجه ۱)، فرمانداری لنگه (درجه ۲) و فرمانداری دشتی و دشتستان (درجه ۳) بود. این وضعیت چندان طول نکشید و طبق تبصره‌ای دیگر فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس به مرکزیت بوشهر و فرمانداری کل بنادر و جزایر عمان به مرکزیت بندرعباس که از سال ۱۳۳۳ تشکیل شده بود، به موجب تصویب‌نامه ۴۶۶۴۲ در تاریخ ۱۳۴۶/۹/۱۸ به طور رسمی منحل شدند و سازمان استانداری بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان با عنوان استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان به مرکزیت بندرعباس را تشکیل دادند. این استان دارای پنج فرمانداری: فرمانداری بندرعباس، فرمانداری بوشهر، فرمانداری بندرلنگه، فرمانداری برازجان و فرمانداری میناب بود (فریدی مجید، ۱۳۹۰: ۹۹-۱۰۲). استان ساحلی به دلیل مخالفت و نارضایتی شدید مردم بوشهر و همچنین اخلاف در امور و دوری مرکز استان به فرمانداری بوشهر و برازجان و همچنین نارضایتی شدید اهالی بوشهر و نواحی تابعه آن که از حالت فرمانداری کل به فرمانداری شهرستانی تنزل یافته بودند، دوام چندانی نداشت (جعفری، ۱۳۴۶: ۱). از طرفی راه بندر بوشهر تا بندرعباس بسیار دور و در طول سیصد فرسخ فاصله کرانه مرزی جنوب ایران قرار داشت. در این شرایط می‌توان گفت بوشهر در یکسر خلیج فارس و بندرعباس در یکسر دیگر آن قرار گرفته بود و برای مسافرت به بندرعباس از راه هوایی باید به شیراز می‌رفتند و از راه خشکی چون راهی وجود نداشت، باید به لار و یا کرمان و از آنجا به بندرعباس سفر می‌کردند. از طرفی ارتباط تلفنی و

تلگرافی مستقیم بین شیراز و بوشهر وجود داشت؛ درحالی‌که بین بندرعباس و بوشهر با واسطه تهران یا شیراز صورت می‌گرفت (جعفری، ۱۳۴۶: ۱-۴)؛ بنابراین باوجود مخالفت‌ها در تاریخ ۱۳۴۹/۹/۹ طبق تصویب‌نامه شماره ۴۰۲۲/۴ شهرستان‌های بوشهر و دشتستان از استان ساحلی جدا و باهم تشکیل فرمانداری کل بوشهر با مرکزیت بندر بوشهر دادند. این فرمانداری شامل دو شهرستان (بندر بوشهر و برازجان) و نه بخش بود. با افزایش جمعیت فرمانداری کل و طرح‌های دولتی برای توسعه فرمانداری‌ها به موجب تصویب‌نامه ۷۴۰۵/م در تاریخ ۱۳۵۲/۷/۲۵ فرمانداری کل بوشهر به استان بوشهر تبدیل شد (فریدی مجید، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

۳- پیشینه مهاجرت در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس

در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ اقدامات مهمی از طرف رضاشاه در متمرکز کردن امور کشور و ایجاد امنیت انجام شد، مبارزه با سران عشایر، تار و مار کردن دسته‌ها مسلح خان‌ها، امنیت اجتماعی در شهرها و روستاها را به میزان زیادی بالا برد؛ اما برنامه‌های سیاسی و اقتصادی رضا شاه پیامدهای دشواری در کشور به‌خصوص در نواحی جنوب ایجاد کرد. در این زمان، وضعیت جنوب و خصوصاً بنادر و جزایر به دلیل حضور قوی‌تر دولت و نیروهای نظامی بهتر و تا حدودی امنیت برقرار شد؛ اما با برنامه‌های تجاری جدید و اعمال سیاست‌های گمرکی جدید ساکنین این نواحی دچار لطمات شدیدی شدند. با احداث راه‌آهن سراسری ضربه نهایی بر نقش تجاری و بازرگانی بوشهر و بنادر تابعه آن در زمان رضاشاه وارد شد. با احداث این راه‌آهن مرکز فعالیت‌های تجاری جنوب، به خوزستان منتقل شد و همچنین با تصمیم وزارت بازرگانی دایر به محدود کردن معاملات مرزی و پایاپای وضع کسب‌وکار در بوشهر کاملاً از رونق افتاد (پارس، ۱۳۴۱: ۱؛ میریان، بی‌تا: ۳۷۱).

از دیگر دشواری‌های مردم بنادر و جزایر جنوب در زمان رضا شاه ظلم و اجحاف مأمورین دولتی و گمرک و همچنین مشخص نبودن سیاست‌های دولت در خصوص امور گمرکی بود. رضاشاه بعد از به قدرت رسیدن مسبب اصلی آشفتگی اوضاع گمرکات کشور را مستشاران بلژیکی و قوانین و تعرفه‌های آنان دانسته در نتیجه آن‌ها را اخراج کرد و اداره گمرکات را به مأمورین ایرانی سپرد. با توجه به شرایط جدید، قوانین و تعرفه‌های گمرکی چندین بار تغییر کرد، طبق قانون جدیدی که در اردیبهشت ۱۳۱۵ ش/ ۱۹۳۶ م تدوین گردید، قرار شد که ۹۰ درصد حقوق گمرکی از روی وزن کالا دریافت شود. این قانون تا سال ۱۳۲۰ ش/ ۱۹۴۱ م مأخذ وصول و عوارض گمرکی بود (فتحی، ۱۳۵۴: ۸۹-۹۰)؛ اما از آنجایی‌که

دولت در این خصوص حضور چندانی در نواحی جنوب نداشت؛ در نتیجه نظارت چندانی هم صورت نمی‌گرفت و رویه سابق کماکان در حق ساکنین جنوب و تجار اعمال می‌شد. آرتور آرنولد، در مورد وضع بوشهر در صدسال پیش می‌نویسد: «حکومت بوشهر درازای پرداخت یک حق سالانه به تهران آزاد است که هر چه می‌تواند به‌زور بگیرد، نتیجه این امر آن است که تمامی استان بوشهر به‌طور مداوم بر اثر تقاضای عاملان مسلح حاکم که تحت عنوان اخذ مالیات رعایا را غارت می‌کنند، در ناآرامی و آشوب است. دهقانان بوشهر عمال حکومت را هم‌ردیف دزدان می‌دانند.» (گراهام، ۱۳۸۵: ۲۹). بدی رفتار عمال حکومتی جنوب در روزنامه‌ها نیز منعکس شده بود. در همان زمان در روزنامه خلیج فارس به نقل از روزنامه سروش، گزارش شده بود: «سیاست بدی که در زمان رضاشاه جریان داشت، موجب ویرانی و از سکنه خالی شدن نواحی جنوب بود. به قدری مأمورین دولتی آن وقت نسبت به مردم آن سامان زیاده‌روی و ستمگری کردند که همه دارایان آن به اطراف و کشورهای همسایه مهاجرت کردند. اکنون در بیشتر مناطق جنوب خانه‌های خالی زیادی وجود دارد که در حال تبدیل شدن به بیغوله هستند. اگر این وضع ادامه پیدا کند و دولت توجه لازم و فوری به آن نداشته باشد تا چند سال دیگر از همین خرابه‌ها هم اثری باقی نخواهد ماند.» (سروش، ۱۳۲۶: ۳). در نتیجه این وضعیت طی دو سه دهه از آغاز قرن بیستم اکثر بنادر و جزایر جنوبی ایران با کاهش شدید جمعیت روبه‌رو شد که در پی مهاجرت گروه‌گروه تجار، کسبه و اهالی این منطقه بود.

در زمان محمدرضا شاه، عمده ساکنین بنادر و جزایر خلیج فارس، عموماً به کشت و زرع، دامداری و صید اشتغال داشتند و با توجه به شرایط آب و هوایی و محرومیت منطقه، اکثر ساکنین این نواحی در فقر و فلاکت زندگی می‌کردند (اطلاعات، ۱۳۳۸: ۵). در دهه چهل با اجرای اصلاحات ارضی و آزاد شدن روستائیان از قیدوبند نظام ارباب‌رعیتی، روستائیان این مناطق تحت تأثیر اصلاحات جدید دچار تحولات عمده‌ای شدند. روستائیان نواحی بنادر و جزایر خلیج فارس که در دوره‌های گذشته با وجود ظلم و بی‌عدالتی‌های بسیار کمترین تحرک و جابه‌جایی را داشتند، در سال‌های دهه چهل و بعد از اجرای اصلاحات ارضی آزاد شده و آنان نیز مانند طبقات تجار و مرفه شهری اقدام به مهاجرت کردند.

با افزایش قیمت نفت در دهه ۵۰، توان دولت در سرمایه‌گذاری طرح‌های عمرانی بیشتر شد. بخش اعظمی از درآمدهای حاصل از صادرات نفت در آغاز صرف بهبود زیرساخت‌های شهری و در مرحله بعد صرف سرمایه‌گذاری صنعتی شد. بوشهر تقریباً تا پایان دهه ۴۰ به دلیل شرایط موجود از توسعه فعالیت‌های عمرانی که در اکثر نقاط کشور شدت یافته بود بهره چندانی نداشت. این شهر تا سال‌های قبل از نیمه دوم دهه ۵۰ شرایطی کاملاً مهاجرپرست داشت و عموماً غیر از بومیان استان از دیگر مناطق کشور غیر از

مأمورین دولتی، مهاجرین غیراستانی بسیار کمی داشت؛ اما از دهه ۵۰ و بعد از افزایش قیمت نفت، از طرف دولت توجه ویژه‌ای به این استان شد (حیدری، ۱۳۹۲: ۵۳). اجرای طرح‌های عمرانی در بوشهر یکی از دلایل مهم جذب جمعیت در شهر بوشهر بود. از جمله این طرح‌ها: استقرار تعداد زیادی واحدهای صنعتی کوچک و بزرگ، رشد و توسعه خدمات بندری، وارداتی و تجاری ایجاد تأسیسات خدمات اجتماعی، تأسیس اسکله بارگیری و باراندازی، ایجاد ساختمان‌های دولتی، ساختمان فرودگاه، منازل کارمندان ادارات دولتی، مدارس و پایگاه‌های نیروی دریایی بود (ساکما-۱۳۷۲/۲۹۳). در نتیجه این سرمایه‌گذاری‌ها فرصت‌های شغلی جدیدی در شهر بوشهر ایجاد شد که پیامد اصلی آن جذب جمعیت بیشتر بود.

۴- شرایط عمده مهاجرت در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس

۴-۱ - خشک‌سالی و نبود آب

یکی از شرایط عمده در بنادر و جزایر خلیج فارس که موجب پراکندگی جمعیت آن شد، وضعیت آب و هوایی آن بود. این منطقه دارای تابستان‌های بسیار گرم و زمستان‌های معتدل بود. در این ناحیه رطوبت دریا تا فاصله کمی از سواحل محسوس می‌شد و از کوه‌های ساحلی به سمت نواحی داخلی رطوبت قطع شده و جای خود را به خشکی شدید می‌داد. در سواحل خلیج فارس منابع آب بسیار کم و بارندگی نامنظم بود. امکانات زیستی محدود باعث شده بود که نواحی شهری و روستایی کوچکی در فواصل دور از یکدیگر در آن شکل گیرد (کلاهی، ۱۳۴۶: ۱۲-۱۳). در سال‌های خشک متوسط باران سالیانه در بوشهر ۲۷۶ میلی‌متر و تعداد متوسط روزهای بارانی آن هجده روز در سال بود. میزان بارندگی در این ناحیه در طول سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۴ از ۲۱۷ میلی‌متر تجاوز نکرد و در این مناطق در حفاصل خرداد تا مهرماه بارندگی به‌ندرت صورت می‌گرفت (افشار، ۱۳۶۹: ۴). در سال‌های دهه چهل و بعد از اصلاحات ارضی بیشتر مناطق فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس دچار مشکل خشک‌سالی و بحران آب بود. به‌طوری‌که بوشهر مرکز فرمانداری حتی آب آشامیدنی مناسبی نداشت. از طرف دیگر به دلیل بی‌توجهی دولت به توسعه فعالیت‌های صنعتی و تولیدی جدید در این نواحی، این ناحیه از عقب‌مانده‌ترین مراکز کشور در فعالیت‌های صنعتی و تولید بود. باوجود این که در دهه چهل و پنجاه فعالیت‌های ساختمانی و عمرانی در اکثر مراکز استان‌ها رونق یافته بود، در فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس به دلیل مشکلات آب و هوایی و کمبود امکانات و همچنین اهمال‌کاری سازمان و نهادهای مسئول، این فعالیت نیز رونق چندانی برای

جذب مهاجرین روستایی نداشت. بی‌توجهی دولت در رسیدگی به امور زراعت و کشاورزی در ناحیه به‌خصوص در زمینه تهیه آب، ایجاد سیل بند در مسیر رودها، ایجاد مخازن ذخیره آب و کمک به روستائیان در حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق، بی‌توجهی در احداث راه و جاده بین بنادر و روستاهای اطراف و از بنادر به مرکز فرمانداری و یا استان و همچنین به شهرهای بزرگ‌تر از مشکلات عمده در این نواحی بود. در اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰ اکثر نواحی دشتستان: آب پخش، سعدآباد، شبانکاره، برازجان و نواحی پیرامون آن گرفتار بی‌آبی و گرانی روزافزون آب‌بها بودند. بیشتر اراضی دهقانان و نخیلات خرما فاقد آب برای آبیاری بودند. کشاورزان شبانکاره هم که از آب کافی برخوردار بودند، گرفتار گرانی روزافزون آب‌بها بودند و خود را قربانی ظلم و اجحاف بنگاه آبیاری سد شبانکاره می‌دانستند. در این زمان میزان و مقیاس آب‌بها هیچ منبع و مقیاس مشخصی نداشت نرخ آن به‌جای این‌که از طرف وزارت آب و برق و یا وزارت کشاورزی تعیین شود توسط مأمورین بنگاه آبیاری وضع می‌شد. آنان هرروز هر مقداری که خودشان تعیین می‌کردند، به‌زور از کشاورزان دریافت می‌داشتند. بسیاری از دهقانان و کشاورزان و صاحبان نخل‌ها درآمد اندک خود را کلی و جزئی برای آب‌بها پرداخت می‌کردند. این بنگاه به‌جای این‌که برای تشویق کشاورزی و کمک به دهقانان نهرها و جوی‌های مصنوعی احداث کند و باتلاق‌ها و زمین‌های باتلاقی را زه‌کشی کند و با تعمیر و ترمیم وسایل و ابزار سد و توسعه آن اقدام به درختکاری و ایجاد باغ‌های نمونه و غرس درختان و مرکبات به کشاورزان ناحیه کمک مالی و فنی کند، تنها به افزایش قیمت آب‌بها توجه داشت. در این شرایط دهقانان و باغداران لیمو و نخیلات که قادر به پرداخت آب‌بها نبودند، کار کشاورزی را رها کرده و برای عملگی راهی شهرها و یا شیخ‌نشین‌ها شدند (جعفری، ۱۳۴۳: ش ۶۰۳، ۱-۴).

از بندر عسلویه تا گاوبندی و لنگه نیز اکثر روستاها به دلیل کمبود آب و کار تخلیه‌شده بودند و جز چند پیرمرد و پیرزن که در روستا ساکن بودند اکثر خانه‌ها خالی از سکنه شده بود. در روستاها عده انگشت‌شماری از اهالی باقی بودند که در سال دو ماه در جزایر کار می‌کردند و ده ماه دیگر سال را بیکار بودند. در بعضی از مناطق هم که امکان مختصر کشاورزی وجود داشت، دیگر کشاورزی نبود. درآمد کار کشاورزی در بنادر و نواحی پس‌کرانه‌ای آن بسیار ناچیز بود به همین دلیل اکثر روستائیان کشاورزی را رها کرده و مهاجرت کرده بودند. در سال ۱۳۵۶، ژاندارمری نواحی بنادر برای جلوگیری از مهاجرت کارگران کشاورزی گذرنامه مرزی به افراد بالاتر از ۵۰ سال داد. باین‌حال جوان‌های این نواحی که بیشتر مشتاق مهاجرت بودند با از دست دادن جواز عبور مرزی به مرکز استان‌های اطراف رفته و با گرفتن گذرنامه‌های عادی در اولین فرصت اقدام به مهاجرت می‌کردند (مهاجر، ۲۵۳۶: ۱۰).

۴-۲ - وضعیت راه‌ها

از دیگر مشکلات عمده مردم بوشهر در این سال‌ها که باعث پراکندگی مردم این ناحیه شد، نبودن راه مناسب بود. صدری استاندار فارس دریکی از سخنرانی‌های خود اعلام کرده بود یکی از مهم‌ترین علت عقب‌ماندگی نواحی جنوب کشور فقدان جاده بود (پیام آسمانی، ۱۳۵۰: ۷). در هیچ بخش و ناحیه‌ای از بوشهر هیچ راه مناسبی وجود نداشت. صاحبان نخلستان‌ها و مزارع غله و صاحبان باغ‌های میوه و مرکبات محصولات و سردرختی‌های را عمدتاً به دلیل نبودن راه مناسب نمی‌توانستند در اسرع وقت به شهرها و بنادر به فروش برسانند (اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر، ۱۳۹۳: ۴۶۵) تنها راه مهم و اصلی در فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس راه شیراز- بوشهر بود. این راه در زمان جنگ جهانی اول توسط متفقین باعجله و بدون هیچ مطالعه و اطلاعات اندکی که از وضعیت جغرافیایی محل داشتند در طی جنگ جهانی اول و دوم ساخته و ترمیم شد. در دهه ۵۰ این راه جاده مرگ لقب گرفته بود. راه دارای پرتگاه‌هایی با فراز و نشیب و پرپیچ‌وخم و صعب‌العبور و خطرناک بود. هر سال تلفات جانی و خسارات مالی زیادی به مسافران، بازرگانان، رانندگان، صاحبان کامیون‌ها، اتوبوس‌ها و اتومبیل‌ها وارد می‌شد. در اواخر سال ۱۳۴۳ کلنگ ساختمان راه آسفalte شیراز- بوشهر با سرمایه‌گذاری ۲۰۲۵ میلیون ریال به زمین زده شد و قرار بود این راه در عرض مدت ۱۸ ماه ساخته شود؛ اما این راه تا پایان سال ۴۷ تنها سه قطعه از هفت قطعه آن ساخته شد و ساختمان بقیه این راه‌ها به برنامه چهارم و پنجم عمران موکول شده بود. در این مدت چون دولت وعده احداث راه جدید را داده بود راه قدیمی که مورد استفاده مردم قرار داشت به حال خود رها شده بود و نه تعمیر می‌شد و نه تسطیح؛ بنابراین در طول این سال‌ها این نواحی هرروز شاهد تلفات جانی و مالی بودند. در اثر بارندگی در سال ۱۳۴۴ در زمستان جاده کازرون - برازجان که بخشی از این مسیر بود تخریب شد و بیش از ۵۰۰ مسافر به مدت سه روز در بیابان گرسنه و سرگردان بودند. در این مسیر بسیاری از محصولات کشاورزی اهالی بوشهر مانند میوه، سبزی، لبنیات، تخم مرغ و سایر کالاهای کشاورزان که توسط وسایل نقلیه و کامیون‌ها به شیراز برده می‌شد، در مسیر دچار حادثه شده و تمامی اجناس نابود می‌شد (پیک خجسته، ۱۳۴۷: ۲).

از خوزستان به طرف بوشهر نیز بسیاری از راه‌های بین‌شهری این مناطق راه‌های تابستانی بود. این گونه راه‌ها فقط در فصل خشک قابل استفاده بودند. مثلاً راه هندیجان به دیلم تنها در فصل خشک سال قابل استفاده بود. در زمستان‌ها حتی بومی‌ها هم نمی‌توانستند از این راه‌ها استفاده کنند. بیشتر راه‌ها در فرمانداری خاکی

و پرفرازونشیب و غیرقابل رفت و آمد اتومبیل بود. در این نواحی بیشتر بومی‌ها از موتورسیکلت استفاده می‌کردند. برای رفتن از استان خوزستان به بوشهر در فصل بارندگی تنها با موتورسیکلت از کنار رودخانه زهره یا روستای «چمغاله فیا» می‌توانست عبور کرد. آسفالت در راه‌های جنوبی کشور برای اهالی معنایی نداشت. در این زمان تنها یک راه سنگلاخ که جابه‌جا آثار آسفالت در آن دیده می‌شد، ارتباط بنادر بوشهر را ممکن ساخته بود. در بوشهر و گناوه عمده راه‌ها خاکی بود و بیشتر آن در فصل بارانی و زمستان غیرقابل عبور بودند. در بوشهر در فصل‌های بارانی عموماً از قایق به جای اتومبیل استفاده کرده و استفاده از آن کاملاً عادی بود. دو راه ارتباط بوشهر را با بخش‌های شرقی فرمانداری برقرار می‌ساخت، نخستین راه از حاشیه دریا عبور کرده از طریق «چاه تلخ»، «عامری»، «بریگان» و «زیدان» به بندر «دیر» می‌رسید. دومی با عبور از بخش‌های اهرم، خورموج و دیر به جانب شرقی ادامه می‌یافت. هر دو راه از راه‌های بسیار قدیمی بود که برای عبور بسیار نامناسب بودند. راه حاشیه‌ای خاکی و تنها راه ارتباط میان بنادر بود؛ زیرا راه دوم در فصل زمستان با اولین بارندگی مسدود و غیرقابل عبور بود (مهاجر، ۲۵۳۶: ۱۰).

در بندر کنگان و دیر نیز وضع به همین منوال بود. میان این دو بندر و مناطق مختلف فرمانداری وسایل ارتباطی بسیار کمی وجود داشت و اهالی آن تنها از طریق دو وانت و چند موتورسیکلت امکان رفت و آمد داشتند. کنگان و روستاهای اطرافش نزدیک به ۸ هزار نفر جمعیت داشت که در سرشماری سال ۱۳۵۵ کمتر از ۵ هزار نفر برآورده شده بود. شغل اصلی مرم کنگان ماهیگیری و دام‌پروری محدود به اندازه مصرف خودشان بود. ماهیگیران کنگان چهار ماه سال در فصل پاییز و زمستان را به صید می‌پرداختند و هشت ماه دیگر سال را بیکار بودند. مهاجرت روستائیان در این بندر بسیار گسترده بود. اهالی روستای اختر در این بندر به کلی به دلیل کمبود آب و نداشتن بذر برای کشاورزی به طور کامل به شهر یا کویت مهاجرت کرده بودند. این نواحی از تمامی امکانات محروم بودند. تا سال ۱۳۵۶ تنها دو مدرسه پنج کلاسه و یک مدرسه راهنمایی و یک درمانگاه در بندر دیر و کنگان وجود داشت که در آن یک طبیب فیلیپینی طبابت می‌کرد (جعفری، ۱۳۵۱: ۲).

از نواحی جنوبی‌تر فرمانداری یعنی جم و ریز و بندر طاهری یا سیراف به بوشهر یا شیراز نیز هیچ راه اتومبیل رویی وجود نداشت. بندر سیراف نزدیک‌ترین بندر ساحلی خلیج فارس به شیراز محسوب می‌شد ولی هیچ راه اتومبیل رویی به شیراز نداشت. ناحیه جم و ریز از مناطق بیلاقی که دارای آب و هوای معتدلی بود و در گذشته محل بیلاق اشراف و بازرگانان سیراف بوده؛ اما در این زمان به دلیل نداشتن راه ارتباطی به یک منطقه عقب‌مانده و فقیر تبدیل شده بود (هدایتی، ۱۳۴۶: ۴). دهستان جم شامل ۴۸ پارچه

دهات و روستا و دهستان ریز هم مرکب از شانزده آبادی و قریه بود. در این ناحیه به واسطه وجود شصت کاریز و قنات و نزدیک به هشتاد دستگاه تلمبه آبی از لحاظ آب جهت زراعت و زمین‌های مستعد برای احداث باغ و غرس درختان گرمسیری و سردسیری موقعیت ممتازی داشت. باوجود چنین شرایطی این ناحیه از عقب‌مانده‌ترین نواحی فرمانداری محسوب بود. ناحیه جم و ریز که تا بندر طاهری (سیراف) فقط ۴ فرسنگ فاصله داشت هیچ راه مناسبی نداشت. کشاورزان این منطقه به واسطه نبود راه مناسب و اتومبیل‌رو نمی‌توانستند محصولات خود را به‌موقع به بندر رسانده و به‌فروش برسانند. در این زمان اگر راه اتومبیل‌رو رویی در این قسمت وجود داشت کشاورزان می‌توانستند، یک‌ساعته محصولات مرغوب خود نظیر خرما، پرتقال، لیمو و سایر مرکبات و محصولات غلات را به بندر طاهری و کنگان برسانند و از منافع آن بهره‌مند شوند؛ ولی چنین امکاناتی برای آن‌ها فراهم نبود. اصولاً سازمان عمران بنادر که مسئول رسیدگی به وضعیت این نواحی بود، عمل مؤثری در بهبود وضع زندگی مردم این نواحی انجام نداد و همین غفلت و عدم توجه موجب شد تا خانوارهای بسیاری از این نواحی و بندر کنگان و ده‌ها خانوار از بنادر و روستاهای اطراف آن مانند تمبک و اختر به قطر و شارجه و دیگر شیخ‌نشینان کوچ کنند (پیک خجسته، ۱۳۴۹: ۱-۴).

۳-۴- آفات طبیعی و کمبود مواد غذایی

در سال ۱۳۴۹ در بخش‌های مختلف بوشهر مخصوصاً در نواحی دشتی و دشتستان و تنگستان کمبود مواد غذایی و گرانی و نایابی خواروبار و عدم دسترسی به علوفه و خوراک حیوانات اهلی کاملاً محسوس و آشکار بود. وضعیت در این سال‌ها بسیار ناراحت‌کننده و رقت‌انگیز بود. در این سال محصولات کشاورزان همه تباه و خراب‌شده بود. بی‌آبی و عدم دسترسی به آب آشامیدنی مزید بر علت بود. در بیشتر روستاها مردم آب تلخ و شور و بی‌مزه داشتند، آب‌ها پر از کرم، لجن و گند و متعفن بودند (ترزبان، ۱۳۴۹: ۷). در سال‌های نخست دهه ۵۰ نیز اکثر نخیلات خرما در حوزه شهرستان بوشهر و برازجان دچار بیماری و ناخوشی بوده و محصول خرما در این سال‌ها نصف شده بود. نخیلات از طارونه تا خومال و بعد خارک و رطب دچار آفت بودند. برگ نخل‌ها دچار آفت شده و دیگر سبزی و طراوت و شادابی نداشت. در این سال‌ها از طرف اداره عمران اقداماتی برای بهبود وضعیت کشاورزی و کمک به نخل‌داران انجام شد؛ ولی بی‌نتیجه بود. در این زمان روستائیان سواحل و بنادر گرفتار ریگ‌های روان نیز بودند. شن‌های نرم و انبوه بالای روستائیان شده بود، شن‌های روان برخی از روستاها و آبادی‌ها را فراگرفته و در خود فروبرده بود. ریگ‌های روان به‌وسیله بادهای موسمی جابه‌جا و مانند سیل به‌سوی برخی از آبادی‌ها و روستاها هجوم

می‌پردند. شدت بادهای شنی دیوار و ستون خانه‌های کاهگلی روستاها و کپر و عریش‌ها^۲ را ویران کرده بود. گزارش این وضعیت بارها از طرف مسئولین کشاورزی و منابع طبیعی به مقامات مرکزی فرستاده شد؛ ولی هیچ اقدامی برای بهبود شرایط روستائیان صورت نگرفت (جعفری، ۱۳۵۱: ۱).

در بندر دیر کشاورزی به صورت گسترده وجود نداشت و از آنجایی که امکانات بندری و صیادی چندانی هم وجود نداشت، اگر باران می‌آمد اهالی کشاورز آن مختصر گندم و جوئی برداشت می‌کردند. چند نخلستان خرما نیز در دیر وجود داشت که خرماي خود اهالی را تأمین می‌کرد. در صحرای شمال، شرق و غرب دیر روستاهای کوچکی وجود داشته تا سال ۱۳۵۵ بیشتر آن‌ها خالی از سکنه شده بودند. بنا به شواهد موجود، این بخش دارای شصت روستا بود که تا سال ۱۳۵۵ تنها ۱۵ روستای آن باقی ماند. این روستاها تنها در کار تولید خرما و پرورش نخل بودند؛ اما به دلیل خشک‌سالی‌های پی‌درپی و آفات، روستائیان بخش شرقی روستاها را تخلیه و به مرکز بخش مهاجرت کرده بودند. از طرف دیگر در این بخش در همین زمان فعالیت شرکت «شیلات و شرکت‌های خارجی» افزایش یافت و بومی‌های این ناحیه با از رونق افتادن فعالیت‌های کشاورزی، جذب این شرکت شده و به عنوان «جاشو» در کشتی‌های شرکت مشغول به کار شده بودند. وضعیت خشک صحرایی منطقه و نبودن راه‌های مناسب ارتباطی که قبلاً اشاره شد، جاشوها یا همان مردان روستاها را وادار کرد تا خانواده‌های خود را به شهر منتقل کنند و در نتیجه این اقدام روستاهای این ناحیه خالی از سکنه شد. طبق گفته شاهد عینی، در این زمان در ده فرسخی غرب دیر تنها پانزده روستا باقی ماند که پرجمعیت‌ترین آن تنها پنج خانوار و کم‌جمعیت‌ترین آن تنها یک خانوار داشت (مهاجر، ۲۵۳۶: ۲۰).

۵- تغییرات جمعیتی در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس

حدود جغرافیایی فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس شامل شهرستان‌های دشتستان و بندر بوشهر در سال ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ یکسان نیست.^۳ در سال ۱۳۳۵ حوزه فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس دارای دو

^۱ سابیانی که از چوب و شاخه درخت برای محافظت خود از گرما و آفات بسازند.

^۳ در سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۳۵ با این که فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس تشکیل شده بود؛ اما این حوزه همچنان در آمار و سرشماری استان فارس لحاظ شده بود. در این مرحله فرمانداری بوشهر دارای سه بخش، بوشهر (شامل دهستان‌های: چغادک، حومه، حیات داودی، چاه کوتاه، رود حله و لیراوی)، دشتی و دشتستان (شامل: انگالی، بردخون، بوشکان، تنگستان، حومه، خورموج، دالکی، دیر، ریز، زیارت، زیراه، شبانکاره، شنبه، طسوج، کاکي، گیسکان و مزارعی) و کنگان (شامل: الحرام، تمیمی، ثلاث، جم، گله‌دار و مالکی) بود (فریدی، ۱۳۹۰: ج ۲/ ۱۰۲).

شهر عمده و بالای ده هزار نفر جمعیت شامل بندر بوشهر و برازجان که جزو شهرهای استان فارس به حساب آمده است، بود. دیگر بخش‌ها و دهستان‌های این فرمانداری یا جزو یکی از این دو شهرستان یا شهرستان‌های استان فارس محسوب می‌شدند. در سال ۱۳۳۵ حوزه کنگان حوزه مستقلی بود که دهستان‌های آن در سال ۱۳۴۵ بین شهرستان‌های بندر بوشهر و لار از استان فارس تقسیم شد و قسمتی از دهستان درگاه از شهرستان فیروزآباد به فرمانداری بنادر ملحق شد (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۴۵: ج ۱۶). طبق جدول شماره یک، فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس در سال ۱۳۳۵ با دو شهرستان بوشهر و برازجان دارای ۱۹۸۶۱۷ نفر جمعیت بود، از این تعداد ۳۱۳۲۷ نفر جمعیت شهری (۰/۵۲ درصد از کل کشور) و ۱۶۷۲۹۰ نفر جمعیت روستایی (۱/۲۸ درصد از کل کشور) بودند. در این زمان فرمانداری بنادر دارای درصد کمی جمعیت شهرنشین بود. جمعیت این فرمانداری با توجه به میزان بالای رشد سالانه کشور به سرعت افزایش یافت به‌طوری‌که در فاصله یک دهه جمعیت این فرمانداری با حوزه‌های کاملاً مستقل از استان فارس، جمعیت آن به ۲۵۴۷۳۵ نفر افزایش یافت (۱ درصد کل جمعیت کشور). متوسط رشد جمعیت در بوشهر ۲/۵ درصد بود. البته در شهرستان برازجان متوسط رشد جمعیت در آن ۷ درصد و در بعضی از بخش‌های تابعه آن ۹ درصد نیز بود (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۴۵: ج ۱۶۵)؛ اما به دلیل پایین بودن تراکم جمعیت در فرمانداری این افزایش چندان نمایان نیست

جدول شماره ۱- برآورد مهاجرت برحسب مناطق روستایی- شهری طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵ (بر اساس

فرض ثابت بودن رشد طبیعی جمعیت ۳/۲)

تعداد مهاجرین طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵			جمعیت سال ۱۳۴۵ بر اساس سرشماری			جمعیت سال ۱۳۳۵ بر اساس سرشماری			ناطق کشور
روستا	شهر	جمع	روستا	شهر	جمع کل	روستا	شهر	جمع کل	
۱۶۶۴۱۵۷-	۱۶۹۴۱۵۷	-	۱۵۹۹۴۴۷۶	۹۷۹۴۲۴۶	۲۵۷۸۸۷۲۲	۱۳۰۰۱۱۴۱	۵۹۵۳۵۶۳	۱۸۹۵۴۷۰۴	کل کشور
۲۳۱۲۷-	۱۲۰۰۱	-۱۱۱۲۶	۲۰۴۴۷۸	۵۴۶۲۳	۲۵۹۱۰۱	۱۶۷۲۹۰	۳۱۳۲۷	۱۹۸۶۱۷	بنادر و جزایر خلیج فارس

مأخذ: اسنادی از مهاجرت داخلی ایران، ۱۳۹۰: ۴۳۶-۴۳

طبق جدول شماره ۲ در مرحله اول سرشماری درصد جمعیت شهری در بوشهر (۳۴/۳ درصد) و در برازجان (۹/۳ درصد) بود (مرکز آمار و سرشماری کشور، ۱۳۴۵: ج ۱۳۹). در سرشماری سال ۱۳۴۵ فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس با حوزه‌های مستقل سرشماری از استان فارس، دارای ۲ شهرستان و ۴ شهر (بندر بوشهر، خارک، بندر دیلم و برازجان) بود. در این مرحله درصد شهرنشینی کل فرمانداری (۲۱/۷ درصد) بود. شهرستان بوشهر با سه شهر (بندر بوشهر، خارک و بندر دیلم) دارای (۱۹/۵ درصد) جمعیت شهری بود. در این شهرستان تنها بندر بوشهر بالای ۲۰ هزار نفر جمعیت داشت و دو شهر دیگر شهرستان بندر دیلم و خارک به ترتیب ۵۲۵۵ و ۵۴۶۴ نفر جمعیت داشت. البته این دو ناحیه چندان ساختار شهری نداشتند، تنها چون طبق مصوبه جدید نقاط بالای ۵ هزار نفر شهر محسوب می‌شدند، این دو منطقه نیز در شهرستان بوشهر شهر اعلام شدند. نکته قابل توجه این دو شهر رشد چشمگیر آنان بود. خارک در سال ۱۳۳۵ تنها ۶۴۷ نفر جمعیت داشت؛ اما در سال ۱۳۴۵ تعداد جمعیت آن به ۵۴۶۴ نفر افزایش یافت (۷۴/۵ درصد). همچنین بندر دیلم که در سرشماری مرحله اول تنها دیلم ذکر شده بود، ۳۶۹۱ نفر جمعیت داشت و در سال ۱۳۴۵ تعداد جمعیت این روستا به ۵۲۵۵ نفر (۴۲ درصد) افزایش یافت (مرکز آمار و سرشماری کشور، ۱۳۴۵: ج ۱۴۰).

جدول شماره ۲- تعداد جمعیت شهری و شهرها در فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس

فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس		تعداد جمعیت شهر			تعداد شهر			درصد جمعیت شهری		
شهرستان	شهر	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵
بوشهر	بوشهر	۱۸۴۱۲	۲۳۵۴۷	۵۸۹۵۶	۱	۳	۴	۳۴/۳	۱۹/۵	۳۶/۵
دشتستان	برازجان	۱۰۲۳۳	۲۰۳۵۷	۳۱۶۱۱	۱	۱	۱	۹/۳	۲۶/۸	۲۹/۲

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۵۵، ۱۳۴۵: جلد ۱۳۹-۱۴۰

دومین شهرستان این فرمانداری، شهرستان دشتستان تنها دارای یک نقطه شهری (بrazجان) و ۸ دهستان

بود. جمعیت شهری این شهرستان در سال ۱۳۴۵، (۲۶/۸ درصد) برآورد شده بود. طبق جدول شماره ۳ در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ در بین شهرهای فرمانداری بالاترین رشد شهری متعلق به برازجان بود. این شهرستان از مراکز عمده روستایی و کشاورزی کشور و کمترین درصد شهرنشینی را داشت. تنها شهر آن -یعنی برازجان- در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ با رشد سالانه ۷/۱ درصد دارایی بالاترین رشد جمعیت شهری در این فرمانداری بود. در این دهه شهر برازجان به‌تنهایی پذیرای اکثر مهاجرین روستایی و دهستان-های اطراف خود بود. جمعیت شهری این شهرستان که در سرشماری ۱۳۳۵، ۹/۳ درصد بود، با افزایش سریع جمعیت شهر برازجان درصد جمعیت شهری آن در سرشماری ۱۳۴۵، به ۲۶/۴ درصد رسید. جمعیت شهر برازجان در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ (۹۸/۹ درصد) یعنی ۱۰۱۲۴ نفر افزایش یافت که عمده‌ترین دلیل آن مهاجرت روستائیان اطراف به این شهر بود (مرکز آمار و سرشماری کشور، شهرستان برازجان ۱۳۴۵: ج ۱۴۰).

جدول شماره ۳- تغییرات جمعیتی شهرهای بالای ۱۰ هزار نفر بوشهر

نام شهر			تغییرات جمعیتی در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵				میزان رشد سالانه	
سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۳۵-۱۳۴۵	۱۳۴۵-۱۳۵۵	۱۳۵۵-۱۳۶۵	۱۳۳۵-۱۳۶۵
بوشهر	۱۸۴۱۲	۲۳۵۴۷	۵۸۹۵۶	۲/۵	۹/۶	۷/۴	۶/۵	
بrazجان	۱۰۲۳۳	۲۰۳۵۷	۳۱۶۱۱	۷/۱	۴/۵	۷/۸	۶/۵	
بندر گناوه	۲۶۹۵	۴۰۹۴	۱۵۲۹۴	۴/۳	۱۴	۱۰/۶	۹/۶	

مأخذ: سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۴۵، ۱۳۳۵، ۱۳۵۵

رشد شهرنشینی در فرمانداری بوشهر بالا بود؛ اما تعداد نقاط شهری آن چندان افزایش نیافت. دلیل این امر از یک‌طرف به خاطر جمعیت کم فرمانداری کل و از طرف دیگر این‌که فرصت‌های شغلی عمده تنها در بوشهر مرکز فرمانداری و به‌صورت محدودتر در برازجان متمرکز بود. از این‌رو اکثر مهاجرین روستایی جذب این دو مرکز شده بودند. با توجه به رشد طبیعی بالای جمعیت شهری و همچنین ادامه روند مهاجرت روستایی، جمعیت شهری فرمانداری در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ که فرمانداری به

استان نیز تبدیل شد، همچنان ادامه یافت. در این مرحله جمعیت شهری در فرمانداری رشد چشمگیری داشت به طوری که از ۲۱ درصد به ۳۴/۲ درصد رسید (زنجانی و رحمانی، ۱۳۶۷: ۱۷۵ به بعد). استان بوشهر در سرشماری ۱۳۵۵ همچنان دارای دو شهرستان بود و تنها تعداد شهرهای آن از ۴ شهر به ۵ شهر افزایش یافت. نقاط شهری شهرستان بوشهر شامل (بندر بوشهر، بندر دیلم، بندر گناوه و شهر خورموج) بود.^۴ در این مرحله بندر گناوه بیشترین رشد جمعیت شهری در استان را داشت. این شهر در سال ۱۳۴۵ با ۴۰۹۴ نفر جمعیت از نقاط پرجمعیت شهرستان بوشهر بود که از سال ۱۳۴۵ به بعد بارونق فعالیت‌های عمرانی و بندری در این منطقه، اکثر روستائیان اطراف و نقاط دورتر جذب این بندر شدند. جمعیت این شهر با رشد ۱۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۵۲۹۴ نفر افزایش یافت و بعد از برازجان از پرجمعیت‌ترین شهرهای استان بود. خورموج منطقه تازه شهر شده‌ی استان نیز در سال ۱۳۴۵ با ۳۹۳۳ نفر جمعیت از دیگر نقاط پرجمعیت شهرستان بود که در سال ۱۳۵۵ با افزایش جمعیت آن به بیش از ۵ هزار نفر به شهر تبدیل شد (۶۰۲۲ نفر). با اعلام شهرهای جدید درصد جمعیت شهری در شهرستان بوشهر که در سال ۱۳۴۵ تنها ۱۹ درصد بود، در سال ۱۳۵۵ به ۳۶/۵ درصد رسید که رشد قابل توجهی بود (سرشماری نفوس و مسکن آبان ماه ۱۳۵۵: ج ۱۴۳).

در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ دومین شهر پرجمعیت استان بوشهر، همچنان برازجان مرکز شهرستان دشتستان بود. تعداد شهرهای این شهرستان در فاصله دو سرشماری تغییری نکرد و برازجان به تنهایی، مهم‌ترین شهر جذب مهاجرین روستایی در شهرستان بود. این شهر که در سال ۱۳۴۵ با رشد ۷/۸ درصدی بعد از گناوه بالاترین رشد شهرنشینی در استان را داشت، در سال ۱۳۵۵ رشد جمعیت آن به ۴/۵ درصد تقلیل یافت. این امر نشان از کاهش جاذبه‌های شهری و فعالیت‌های عمرانی در شهر برازجان بود. اکثر روستائیان استان در این دهه بارونق فعالیت‌های عمرانی در بوشهر و گناوه بیشتر جذب این دو مرکز می‌شدند. با این حال جمعیت این شهر که در سال ۱۳۴۵، ۲۰۳۵۷ نفر بود با رشد ۴/۵ درصدی که همچنان بیشتر از رشد متوسط کشور بود به ۳۱۶۱۱ نفر افزایش یافت و میزان شهرنشینی در این شهرستان هرچند که نقطه شهری جدیدی در آن شکل نگرفت؛ اما با افزایش جمعیت شهر برازجان از ۲۶/۴ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲۹/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت (سرشماری نفوس و مسکن آبان ماه ۱۳۵۵: ج ۱۴۳).

۴ در سال ۱۳۴۶ که استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان تشکیل شد، فرمانداری خارک تابع استان خوزستان شد. (فریدی مجید، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

طبق آمار رسمی در دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ از کل مهاجران استان (۱۹۷۸۱ نفر)، ۱۷۴۲۴ نفر یعنی ۸۸/۱ درصد شهرستان بوشهر و ۲۳۵۷ نفر، ۱۱/۹ درصد شهرستان دشتستان جابه‌جاشده بودند. افراد جابه‌جاشده در شهرستان بوشهر ۷/۳ درصد شهرستان و افراد جابه‌جاشده در شهرستان دشتستان ۲/۲ درصد جمعیت شهرستان را شامل می‌شدند. در این مقطع بیشتر مهاجرین که بخش اعظم آن از روستاها بودند، جذب بوشهر شدند. از ۱۳۵۵ به بعد که تا حدودی شرایط استانی بوشهر بهتر و از لحاظ اقتصادی موقعیت بهتری پیدا کرد، همچنان بوشهر مقصد اول مهاجرین بود (۴۵/۴ درصد). بعد از بوشهر، گناوه، دیلم، برازجان، کنگان و دیر به ترتیب بعد از بندر بوشهر قرار داشتند. در این زمان تنگستان کمترین میزان مهاجرت را داشت. (۳/۳۳۳ درصد) (صفوی، ۱۳۸۷: ۳۲).

فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس در سال ۱۳۵۲ تبدیل به استان و به نام مرکز فرمانداری؛ یعنی استان بوشهر نامیده شد. این تغییر تأثیر مهمی در رسیدگی به وضعیت عمرانی در این ناحیه داشت، خصوصاً این‌که تبدیل شدن فرمانداری به استان هم‌زمان با افزایش قیمت نفت بود. هرچند که در مدارک موجود ارقامی از تعداد مهاجرت ارائه نشده؛ اما با توجه به شواهد عینی تا نیمه دهه ۵۰، روند مهاجرتی در این استان تا حدود زیادی کاهش یافت و به دلیل شروع و گسترش کارهای ساختمانی و پروژه‌های بزرگ مثل احداث پایگاه هوایی، دریایی و نیروگاه اتمی بوشهر و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و متنوع باعث شد، نیروی کار از استان‌های دیگر نیز جذب استان بوشهر شود. از سوی دیگر به دلیل ایجاد همین فرصت‌های شغلی و هم به دلیل فعال شدن بندر با احداث اسکله و بارانداز جدید در سال ۱۳۵۴ و مشاغل جنبی و وابسته به جهت استفاده انبوه از درآمدهای نفتی در جهت واردات، درآمدزایی در بندر بوشهر افزایش یافت. از طرف دیگر رواج واردات غیرقانونی کالا (قاچاق) در منطقه که منبع کسب درآمد اقشاری از روستاهای ساحلی و شهرهای بندری بود، انگیزه ماندن اهالی در منطقه نیز بیشتر شد. در نتیجه در نیمه دوم این دهه عمده مهاجرت‌ها درون استانی و از روستا به شهر بود. (آرامی، ۱۳۷۳: ۷).

۶- نتیجه

در فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس با توجه به موقعیت جغرافیایی و شرایط سیاسی آن در دوران معاصر تحرک و مهاجرت ساکنین آن نسبت به دیگر مناطق کشور بیشتر و کاملاً مشهود بود. در گذشته این مهاجرت‌ها بیشتر در میان طبقه تجار و مرفه شهری صورت می‌گرفت و طبقات پایین و روستایی بیشتر محکوم به تحمل شرایط موجود بودند. با آغاز دهه چهل و اجرای اصلاحات ارضی طبقه روستایی و رعیت

آن نیز از قیدوبندهای نظام ارباب‌رعیتی آزاد شده و دیگر الزامی به تحمل شرایط نداشتند؛ در نتیجه راحت‌تر اقدام به مهاجرت کردند. به دنبال شکل‌گیری مهاجرت‌های گسترده روستایی در کشور، این امر در نواحی جنوبی کشور نیز بسیار مشهود بود. فرمانداری بنادر و جزایر خلیج فارس بعد از اصلاحات ارضی شاهد شکل‌گیری مهاجرت‌های گسترده روستایی بود که بخش عمده آن به بوشهر و بخشی از این مهاجرت‌ها نیز از نواحی مختلف فرمانداری به سواحل جنوبی خلیج فارس انجام شد. علاوه بر اصلاحات ارضی، شرایط جوی و اقلیمی منطقه، محرومیت بیش از حد مناطق روستایی، نداشتن حداقل امکانات ارتباطی و رفاهی در مناطق روستایی از دلایل عمده گسترش مهاجرت در فرمانداری کل طی سال‌های مورد نظر بود. با افزایش جمعیت در بوشهر طرح‌های عمرانی بسیاری نیز در این شهر به اجرا درآمد که باعث جذب بیشتر جمعیت و توسعه فیزیکی آن نیز شد. بوشهر که تا سال‌های قبل از دهه چهل و پنجاه شرایطی کاملاً مهاجرپرست داشت و عموماً غیر از بومیان استان از دیگر مناطق کشور غیر از مأمورین دولتی، مهاجرین غیر استانی بسیار کمی داشت؛ از نیمه دوم دهه ۵۰ شرایط آن کاملاً تغییر کرد و به یکی از مناطق مهاجرپذیر در کشور تبدیل شد.

تاب‌نامه

- آرامی، حسین. (۱۳۷۳). بررسی روند و ویژگی‌های مهاجرت در استان بوشهر. بوشهر: سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر.
- احمدیان، بهرام. (۱۳۸۵). تقسیمات کشوری. ج اول. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- استفان رای، گرمون (۱۳۷۸). چالش برای قدرت و ثروت در ایران. ترجمه حسن زنگنه. تهران: مؤسسه نشر همسایه.
- اسنادی از مهاجرت داخلی در ایران ۱۳۱۱-۱۳۵۷ (۱۳۹۰). مرکز پژوهش و سنجش و اسناد ریاست جمهوری. به کوشش ایرج محمدی، تهران: انتشارات خانه کتاب.
- اسنادی از اتاق بازرگانی بوشهر. (۱۳۹۳). به کوشش مجتبی پدیدار. تهران: انتشارات آباد بوم.
- اشرف، احمد. (۱۳۶۱). مسائل ارضی و دهقانی، «دهقانان زمین و انقلاب». مجموعه کتاب آگاه. تهران: انتشارات مؤسسه آگاه.
- اشرف، احمد؛ بنوعزیز، علی. (۱۳۹۳). طبقات اجتماعی - دولت و انقلاب در ایران. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. تهران: انتشارات نیلوفر.

- پارس ۱۳۴۱/۸/۱۲، ش ۲۶۷۷.
- «پارس پیشرو سایر استان‌های کشور». (۱۳۵۰). پیام آسمانی ش ۱۵۷.
- پور افضل، حسن؛ نجفی، بهاء‌الدین. (۱۳۵۱). *اصلاحات ارضی و واحدهای دسته‌جمعی*. شیراز: انتشارات دانشگاه پهلوی.
- پیک خجسته. (۱۳۴۹). ش ۸۹۵.
- ترزبان، ایرج. (۱۳۴۹) «جنوب کشور را از یاد نبرید». پیام آسمانی. ش ۱۴۱.
- _____ (۱۳۵۰) «راه شیراز- بوشهر». پیام آسمانی. ش ۱۵۲.
- جعفری، عبدالرحیم. (۱۳۴۳) «راه تجدید حیات نواحی جنوب». پیک خجسته. ش ۶۰۳.
- _____ (۱۳۴۶) «ستانداری بنادر در قضاوت مردم». پیک خجسته، ش ۷۶۲.
- _____ (۱۳۴۶) «ستانداری جنوب». پیک خجسته، ش ۷۶۶.
- _____ (۱۳۵۱) «امان از ناخوشی نخل خرما و بلای ریگ روان». پیک خجسته، ش ۱۰۰۳.
- حسامیان، فرخ؛ اعتماد، گیتی. (۱۳۶۳). *شهرنشینی در ایران*. تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۳.
- زنجانی، حبیب‌الله؛ فریدون رحمانی. (۱۳۶۸). *راهنمای جمعیت شهرهای ایران*. تهران: مرکز مطالعات معماری و شهرسازی ایران.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما تهران): ۲۹۳/۱۳۷۲۵؛ ۶۲۱۲۷ - ۲۴۰.
- «سازمان برنامه چه می‌کند». (۱۳۴۸). پیک خجسته، ش ۸۴۸.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان‌ماه (۱۳۴۵). ج ۱۶۵. فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس. تیرماه ۱۳۴۷.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان‌ماه (۱۳۵۵). شهرستان بوشهر استان بوشهر. ش ۱۴۳. سازمان برنامه‌وبودجه مرکز آمار ایران.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان‌ماه (۱۳۴۵). ج ۱۳۹. شهرستان بندر بوشهر. خرداد ۱۳۴۷.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان‌ماه (۱۳۴۵). شهرستان دشتستان، ج ۱۴۰، خرداد ۱۳۴۷.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۵۵). شهرستان دشتستان. ش ۱۴۴. خرداد ۱۳۵۸.
- صفوی، مهرناز. (۱۳۷۸). *وضعیت مهاجرت در استان بوشهر طی سال‌های ۱۳۵۰ - ۱۳۷۵*. سازمان برنامه‌وبودجه استان بوشهر: معاونت آمار و اطلاعات، ۱۳۷۸.
- عمید، محمدجواد. (۱۳۸۱). *کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران*. ترجمه رامین امینی نژاد.

تهران: نشر نی.

- فتحی، مجید. (۱۳۵۴). *سیر در قلمرو گمرک ایران- از سیستان تا خوزستان*، تهران: بی نا.
- «فریاد از خرابی راه بوشهر- شیراز». (۱۳۴۷). پیک خجسته، ش ۸۰۳.
- فریدی مجید، فاطمه. (۱۳۹۰). *سرگذشت تقسیمات کشوری ۱۲۸۵-۱۳۸۵*. جلد دوم. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- کلاهی، رسول. (۱۳۴۶). «بررسی اجمالی جغرافیای کشاورزی ایران». نشریه جغرافیایی بخش اقتصاد دانشگاه شیراز، ش ۳.
- گراهام، رابرت. (۱۳۵۸). *ایران سراب قدرت*. ترجمه فیروز نیا. تهران: سحاب کتاب.
- «جن زار بنادر جنوب». (۱۳۲۶). سروش. ش ۲۰۷.
- لمتون، آن. (۱۳۹۴) *اصلاحات ارضی در ایران ۱۳۴۵-۱۳۴۰*. ترجمه مهدی اسحاقیان. تهران: امیرکبیر.
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۸). *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*. شیراز: نشر نوید.
- محرمی، نعمت‌الله؛ مهربان، حسن. (۱۳۸۵). *مجموعه قوانین و مصوبات تقسیمات کشوری ۱۲۸۵-۱۳۶۳*. تهران: انتشارات گهرشاد.
- مهاجر، بیژن. (۲۵۳۵) «خلیج فارس، شهرها، بنادر و جزیره‌هایش». رستاخیز، ش ۵۷۵ و ۵۷۶.
- میریان، عباس. (بی تا). *جغرافیای تاریخی خلیج و دریای پارس*، خرمشهر: کتابفروشی فردوسی.
- هدایتی، جواد. (۱۳۴۶). «بندر سیراف قدیم یا طاهری امروز»، پیک خجسته، ش ۷۷۲.
- هوگلند، اریک. (۱۳۸۱). *زمین و انقلاب در ایران ۶۰-۱۳۴۰*. ترجمه فیروز مهاجر، تهران: انتشارات شیرازه.

Rural Migrations in the General Governorate of Ports and Islands of the Persian Gulf (Bushehr) (1961–1976)

Zeynab Ghanbarynejad^{1*}, Habibullah Saeedinia², Hamid Asadpour³

1 PhD in Iranian Islamic History - Persian Gulf University, Bushehr

2. Associate Professor, Department of History - Persian Gulf University, Bushehr

3. Assistant Professor, Department of History - Persian Gulf University, Bushehr

At the beginning of the sixties, Bushehr was the governorate of all the ports and islands of the Persian Gulf, which was politically under the jurisdiction of Fars province. The ports and islands of the Persian Gulf and its coastal areas in the past periods always had a limited population and a low population density due to the political and social conditions as well as its climatic condition. At the beginning of the sixties, with the implementation of agrarian reforms in the country, conditions were created that allowed the rural population to move and migrate more. In this research, an attempt is made to investigate the conditions that accelerated the process of rural migration in the governorate in the ۱۹۶۰s and ۱۹۷۰s. The present research method is descriptive-analytical based on historical documents and sources. According to the findings of the research, in addition to the implementation of land reforms, which freed a large part of the labor force in rural areas, and this additional force went to the city to find work, the climatic and atmospheric conditions of the region and the excessive deprivation of rural areas are also among the reasons. The main expansion of rural migration was in the Governorate of Ports and Islands. This region, which had the lowest urbanization rate in the country in the years before the sixties, faced a high urbanization growth in the following years.

Keywords: Governorate of Ports and Islands of the Persian Gulf, Rural Migration, Land reform Drought, Urban Growth

* Email: ghanbaryzeynab@yahoo.com